



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

الدَّرْسُ السَّابِعُ

درس هفتم

الْمُعْجَم (۲۹ کلمه جدید)

(مضارع : يَطْبَعُ)
طَرَدَ : با تندی راند
(مضارع : يَطْرُدُ)
طُفُولَة : کودکی
عَرَبَة : واگن، گاری
كَهْرَبَائِي : برقی
كِيْمِيَاوِي : شیمیایی
مُسَجِّل : دستگاه ضبط
مَطْبَعَة : چاپخانه
« جمع : مَطَابِع »
نَفَقَات : هزینه ها
« مفرد : نَفَقَة »
نَوْم : خواب
وَضَعَ : گذاشت « مترادف : جَعَلَ »

حَرِيق : آتش سوزی
دَرَس : درس خواند
(مضارع : يَدْرُسُ)
دَفْع : پرداختن
رَئِيسِي : اصلی
سَاعَد : کمک کرد
(مضارع : يُسَاعِدُ)
شَرِكَة : شرکت
صِنَاعَة : صنعت
صِنَاعِيَّة : صنعتی
صُور مُتَحَرِّگَة : عکس های
متحرک
طَاقَة كَهْرَبَائِيَّة : نیروی برق
طَبَعَ : چاپ کرد

آلة : دستگاه « جمع : آلات »
آلة طِبَاعَة : دستگاه چاپ
أَحْسَنَ عَمَلًا : کاری را نیکو
انجام داد
اخْتَرَعَ : اختراع کرد
(مضارع : يَخْتَرِعُ)
أَدَوَات : ابزارها « مفرد : أداة »
أَضَاعَ : تباه کرد
(مضارع : يُضِيعُ)
أَنْقَذَ : نجات داد
(مضارع : يُنْقِذُ)
بِضَاعَة : کالا « جمع : بِضَائِع »
بَطَّارِيَّة : باتری
تَمَثَّل : تندیس « جمع : تَمَائِل »



نتیجه تلاش



ادیسون در سن هفت سالگی بود، هنگامی که خانواده اش از پرداخت هزینه های تحصیلش درماند، پس مدیر مدرسه اش او را از مدرسه بیرون کرد و درباره اش گفت: «او دانش آموزی نادان است.» پس میوه فروش شد.

ولی او تحصیل را ترک نکرد، بلکه به کمک مادرش درس خواند. او خیلی کمکش کرد. ادیسون به سبب حادثه ای یا بیماری ای که در دوران کودکی دچارش شده بود کم شنوا شد.

ادیسون شیمی را دوست داشت. پس آزمایشگاهی کوچک در خانه‌اش ساخت و پس از مدتی توانست برخی مواد شیمیایی و ابزارهای علمی بخرد.

و پس از تلاش‌های بسیاری مسئول یکی از قطارها شد و توانست دستگاه چاپی بخرد و آن را در واگن کالاهای گذاشت.

و در سن پانزده سالگی روزنامه‌ای هفتگی نوشت و آن را در قطار چاپ کرد.

در یکی از روزها یکی از شیشه‌های مواد شیمیایی در چاپخانه شکسته شد و آتش سوزی روی داد و رئیس قطار او را بیرون کرد و وقتی که کودکی را از زیر قطار نجات داد پدر کودک او را رئیس شرکتش کرد.

ادیسون شب و روز در آزمایشگاهش مشغول بود. او نخستین کسی بود که آزمایشگاهی برای پژوهش‌های صنعتی ساخت.

ادیسون بیشتر از هزار اختراع مهم دارد. از آن جمله نیروی برق، چراغ برق، ضبط کننده موسیقی، عکس‌های متحرک، دستگاه سینما، باتری خودرو.

نیروی برق در این روزگار دلیل اصلی پیشرفت صنایع جدید است.

الْكَهْف ۳۰



﴿ قَطْعًا كَسَانِي كِه اِيْمَانْ اَوْرَدِه اَنْد و عَمَلْ صَالِحْ اَنْجَامْ دَاَدَنْد، هِمَا نَا مَا پَا دَاشْ كَسَانِي رَا كِه كَارْ ﴿ نِيْكَو كَنْنَد تَبَاهْ نَمِي كْنِيْم. ﴾



درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با توجه به متن درس معلوم کنید.

درست نادرست

☒ ☐

۱. عَدَدُ اختراعاتِ إديسون سَبْعُونَ.

تعداد اختراعاتِ اديسون هفتاد تا است.

☐ ☒

۲. إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ.

قطعاً خداوند پاداشِ کسانی را که به مردم سود برسانند را ضایع نمی‌کند.

☐ ☒

۳. أَحَبَّ إديسون عِلْمَ الكيمياءِ فِي صَغَرِهِ.

ادیسون علمِ شیمی را از کودکی اش دوست داشت.

☐ ☒

۴. سَاعَدَتْ أُمُّ إديسون وَلَدَهَا فِي الدِّرَاسَةِ.

مادرِ اديسون فرزندش را در درس خواندن کمک کرد.

☒ ☐

۵. وَضَعَ إديسون آلَةَ الطَّبَاعَةِ الَّتِي اشْتَرَاهَا فِي بَيْتِهِ.

ادیسون دستگاه چاپی را که خریده بود در خانه‌اش قرار داد.

ترکیب وصفی (موصوف و صفت) و ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه)

(موصوف و صفت)



آثَارُ تَخْتِ جَمَشِيدِ فِي مُحَافَظَةِ فَارَسِ

هَذَا أَثَرٌ تَارِيخِيٌّ فِي مُحَافَظَةِ كَبِيرَةٍ.

این اثری تاریخی در استانی بزرگ است.



قَلْعَةُ فَلَكِ الْأَفْلَاقِ فِي مُحَافَظَةِ لُرِسْتَانِ

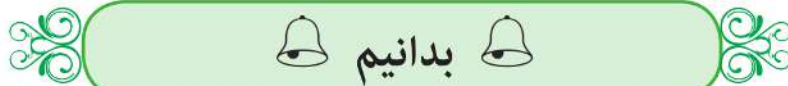
هَذِهِ قَلْعَةٌ تَارِيخِيَّةٌ فِي مُحَافَظَةِ جَمِيلَةٍ.

این قلعه‌ای تاریخی در استانی زیبا است.

(مضاف و مضافُ الیه)



تَمَثِيلُ الْعُلَمَاءِ، فِي مَقَرِّ مُنَظَّمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ^۱. تِمَثَالُ الْمُتَنَبِّي^۲، فِي مَدِينَةِ بَغدَادِ.
تنديس دانشمندان در مقر سازمان ملل متحد تنديس متنبی در شهر بغداد.....



موصوف، اسمی است که برایش یک یا چند ویژگی می آوریم که صفت نامیده می شود.
 مضاف، اسمی است که به اسم بعد از خودش (یعنی مضافُ الیه) نسبت داده می شود؛
 مثال:

موصوف و صفت		مضاف و مضافُ الیه	
مُخْتَبَرٌ صَغِيرٌ	آزمایشگاهی کوچک	مُخْتَبَرُ الْمَدْرَسَةِ	آزمایشگاهِ مدرسه
الصَّنَاعَةُ الْجَدِيدَةُ	صنعتِ جدید	صِنَاعَةُ الْوَرَقِ	صنعتِ کاغذ
طُلَّابٌ مُجْتَهِدُونَ	دانشجویانی کوشا	طُلَّابُ الْجَامِعَةِ	دانشجویانِ دانشگاه

۱. تنديس دانشمندان ایرانی در مقر سازمان ملل متحد در شهر وین کشور اتریش
 ۲. شاعر نامدار سده چهارم هجری قمری در روزگار خلافت بنی عباس متولد کوفه



فَنِّ تَرْجَمَه



به ترجمه ترکیب‌های زیر در جمله دقت کنید^۱:

۱. سَاعَدَتْ أُخْتِي الْكَبِيرَةَ جَدَّتَنَا.

خواهرِ بزرگم به مادرِ بزرگمان کمک کرد.

۲. نَادَيْتُ أَخِي الْأَصْغَرَ لِكِتَابَةِ وَاجِبَاتِهِ.

برادرِ کوچک‌ترم را برای نوشتن تکلیف‌هایش صدا زدم.

 جمله‌های زیر را ترجمه کنید. «به ترجمه ترکیب داده شده دقت کنید.»

۱. لَبِسْتُ أُمِّي خَاتَمَهَا الذَّهَبِيَّ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِي.

.....مادرم انگشتر طلائی‌اش را در جشن تولدم پوشید.

۲. شَجَّعْنَا فَرِيقَنَا الْفَائِزَ فِي نِهَايَةِ الْمُسَابَقَةِ.

.....تیم پیروزمان را در پایان مسابقه تشویق کردیم.

۳. قَسَمْتُ مَزْرَعَتَنَا الْكَبِيرَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ.

.....مزرعه بزرگمان را به دو نیم تقسیم کردی.

۴. هُوَ يَعْمَلُ بِوَاجِبَاتِهِ الْمَدْرَسِيَّةِ.

.....او تکالیف مدرسه‌اش را انجام می‌دهد.

۵. كَانَتْ سَفَرَتُنَا الْعِلْمِيَّةُ مُفِيدَةً.

.....سفر علمی‌مان مفید بود.

۶. أَشْكُرُكَ عَلَى عَمَلِكَ الصَّالِحِ.

.....به خاطر کار نیکت از تو تشکر می‌کنم.

۱. در ارزشیابی از این قاعده، فقط باید از مثال‌های مانند کتاب استفاده کرد.

التَّمرينُ الأوَّلُ

● درستی یا نادرستی هر جمله را بر اساس حقیقت بنویسید.

۱. الشَّرِكَةُ مُؤَسَّسَةٌ تِجَارِيَّةٌ أَوْ اقْتِصَادِيَّةٌ يَعْمَلُ فِيهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ.
..... درست
شرکت یک مؤسسه تجاری یا اقتصادی است که بسیاری از مردم در آن کار می کنند.
۲. الْقِطَارُ مَكَانٌ بَيْعِ الْبَضَائِعِ مِثْلُ الْمَلَابِسِ وَ الْفَوَاكِهِ.
..... غلط
قطار محل فروش کالاهایی همچون لباس ها و میوه ها است.
۳. الْمَطْبَعَةُ مَخْزَنٌ لِحِفْظِ الْمَوَادِّ الْغِذَائِيَّةِ كَالْخُبْزِ.
..... غلط
چاپخانه انبار نگهداری مواد غذایی مانند نان است.
۴. الطُّفُولَةُ هِيَ السَّنَوَاتُ الْأُولَى مِنْ حَيَاةِ الْإِنْسَانِ.
..... درست
کودکی سالهای اولیه زندگی انسان است.
۵. الصَّاعِقَةُ كَهْرَبَاءٌ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَعَ الرَّعْدِ.
..... درست
صاعقه برقی است که همراه رعد از آسمان نازل می شود.

التَّمرينُ الثَّاني

● جمله های زیر را ترجمه کنید.



الْجِسْرُ الْأَبْيَضُ، عَلَى نَهْرِ كَارُونِ.

..... پل سفید، روی رودخانه کارون است.



مَرَقَدُ الْعَالِمِ الْإِيرَانِيِّ ابْنِ سِينَا فِي مَدِينَةِ هَمْدَانِ.

..... قبر دانشمند ایرانی ابن سینا، در شهر همدان است.



جُنُودُنَا الْأَقْوِيَاءُ، جُنُودُ مُؤْمِنُونَ.

..... سربازان نیرومندمان، سربازان با ایمانی هستند.



مَسْجِدُ الْإِمَامِ، أَثَرٌ قَدِيمٌ فِي مُحَافَظَةِ أَصْفَهَانَ.

..... مسجد امام یک اثر قدیمی در استان اصفهان است.

التَّمرينُ الثالثُ

● کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید. =، ≠

عَاقِلٌ ≠ مَجْنُونٌ عاقل دیوانه	لَیْلٌ ≠ نَهَارٌ شب روز	وَضَعَ = جَعَلَ قرار داد قرار داد	صَدَاقَةٌ ≠ عَدَاوَةٌ دوستی دوستی
جُلُوسٌ ≠ قِیَامٌ نشستن برخاستن	صَعْبٌ ≠ سَهْلٌ دشوار آسان	أَعْدَاءٌ ≠ أَصْدِقَاءُ دشمنان دوستان	رَاسِبٌ ≠ نَاجِحٌ مردود مردود
جَاءَ = أَتَى آمد آمد	قَبِيحٌ ≠ جَمِیلٌ زشت زیبا	نَامٌ = رَقَدَ خوابید خوابید	طَوِيلٌ ≠ قَصِیرٌ بلند بلند

التَّمرينُ الرابعُ

● در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

أَنْقَذَ / رَئِیْسِیْ / اِحْتَرَقَ / طَبَعَ / نَفَقَاتٌ / الصَّحِیفَةُ / بَضَائِعُ

۱. کَانَتْ نَفَقَاتٌ اَلْجَامِعَةِ غَالِیَّةً وَ مَا کُنْتُ قَادِرًا عَلَی دَفْعِهَا وَحْدِی.

۲. اِنْكَسَرَتْ اِحْدَى الزُّجَاجَاتِ فِی الْمُخْتَبَرِ فَاحْتَرَقَ کُلُّ الْأَشْیَاءِ.

۳. یَجْلِبُ التَّاجِرُ بَضَائِعَ جَدِیدَةً اِلَی دُكَّانِهِ لِیَبِیْعَ.

۴. یَبْدَأُ وَالِدِی یَوْمَهُ بِقِرَاءَةِ الصَّحِیفَةِ دَائِمًا.

۵. أَنْقَذَ اِدِیْسُون طِفْلًا مِنْ تَحْتِ الْقِطَارِ.

التَّمرينُ الخامسُ

● فعل‌های زیر را مانند مثال ترجمه کنید.

ماضی منفی	مضارع منفی	مستقبل (آینده)	امر	نهی
ما دَهَبَ: نَرَفَتْ	لا یَذْهَبُ: نَمِی رُود	سَیَذْهَبُ: خَواهِد رَفَتْ	اِذْهَبْ: بَرُو	لا تَذْهَبْ: نَرُو
ما شَرَبوا: نَنوَشیدند	لا یَشْرَبُونَ: نَمِی نَوشند	سَیَشْرَبُونَ: خَواهِد نَوشید	اِشْرَبوا: بَنوَشید	لا تَشْرَبوا: نَنوَشید
ما غَسَلَ: نَشُست	لا یَغْسِلُ: نَمِی شوید	سَوْفَ یَغْسِلُ: خَواهِد شُست	اغْسِلْ: بَشور	لا تَغْسِلْ: نَشور

التَّمْرِينُ السَّادِسُ

● با استفاده از کلمات زیر، جدول را حل کنید و رمز آن را به دست بیاورید.

مَعْجُون / أَبْحَاث / طُفُولَة / صِنَاعَة / نَفَقَات / أَنْهَار / دَفْع / مُسَجَّلَات /
مَطَابِع / مُزْدَجِم / آلَات / تَمَائِيل / شُهُور / كُرْسِي / أَنْفُسُهُمْ / ابْتَدَأَ

رمز ↓

ط	ف	و	ل	ه	۱	
ن	ف	ق	ا	ت	۲	
م	ع	ج	و	ن	۳	
ا	ن	ه	ا	ر	۴	
ا	ب	ح	ا	ث	۵	
ا	ب	ت	د	ا	۶	
ک	ر	س	ی		۷	
م	س	ج	ل	ا	ت	۸
ش	ه	و	ر			۹
م	ط	ا	ب	ع		۱۰
م	ز	د	ح	م		۱۱
ت	م	ا	ث	ی	ل	۱۲
ا	ل	ا	ت			۱۳
ص	ن	ا	ع	ت		۱۴
د	ف	ع				۱۵
ن	ف	س	ه	م		۱۶

۱. کودکی

۲. هزینه‌ها

۳. خمیر

۴. رودخانه‌ها

۵. پژوهش‌ها

۶. شروع شد

۷. صندلی

۸. ضبط صوت‌ها

۹. ماه‌ها

۱۰. چاپخانه‌ها

۱۱. شلوغ

۱۲. تندیس‌ها

۱۳. ابزارها

۱۴. صنعت

۱۵. پرداختن

۱۶. خودشان

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

رمز : لا جِهَادَكَ جِهَادِ النَّفْسِ (هیچ جهادی مانند جهاد با نفس نیست.)

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید!

۱. «عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ.»

یاد خداوند بر تو واجب است همانا او نور دل (قلب) است.

۲. «جَلِيسُ السَّوِّ شَيْطَانٌ.»

همنشین بد شیطان است.

۳. «الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ.»

دنیا مزرعه آخرت است.

۴. «الْعِلْمُ كَنْزٌ عَظِيمٌ.»

دانش، گنجی بزرگ است.

۵. «النَّوْمُ أَخُو الْمَوْتِ.»

خواب، برادر مرگ است.

تحقیق

● نام چه میوه‌هایی در سه کتاب عربی آمده است؟ عَنَب - رُمان - تفاح

● نام کدام یک از آنها در قرآن آمده است؟ رُمان - تفاح

۱. الْحَدِيثُ الْأَوَّلُ إِلَى الرَّابِعِ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَدِيثُ الْخَامِسُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ